



چهره دیروز و امروز کامران نوزاد

کامران نوزاد- بازیگر پرسابقه تئاتر ایران به سال ۱۳۱۶ شمسی در تهران متولد شد و امروز در کالیفرنیا شمالی همراه همسر هنرمندش آذر فخر بازیگر صاحب نام تئاتر روزگار میگذراند. وقتی از او پرسیدم که چرا و چه شد که دنبال کار نمایش رفتی گفت: در ۱۳ سالگی شبی همراه مادرم برای دیدن یک نمایش به تئاتر تهران رفتم- پس از پایان نمایش وقتی از تئاتر خارج میشدم من تصمیم خود را گرفته بودم و میدانستم که در آینده چکاره خواهم شد و در سن ۱۷ سالگی برای اولین بار با نقشی کوچک در تئاتر فردوسی روی صحنه رفتم و ویروس تئاتر وارد جانم شد. کامران سپس به هنرستان هنرپیشگی رفت و از آنجا با درجه فوق دیپلم فارغ التحصیل شد او در ادامه کار با تأسیس اداره هنرهای دراماتیک به جمع بازیگران این مرکز معتبر تئاتری پیوست، در این زمان دوره کلاس های کارگردانی تئاتر را زیر نظر پروفیسور بلجر استاد آمریکائی بیابان برد. اما پس از چندی از جمع بازیگران هنرهای دراماتیک کناره گرفته و بطور آزاد در تئاترهای مختلف به کار پرداخت، اما خودش هم به یاد نمی آورد که تاکنون در چند نمایش بازی داشته است. میگوید از میرزا جعفر قراچه داغی اولین نمایش نامه نویس ایرانی و آخوندزاده بگیر تا تنسی ویلیامز و پرتول برشت و نیکلای گوگول هر نقشی را که به من داده اند بازی کرده ام. کامران نوزاد پس از انقلاب اسلامی به آمریکا آمد و کار حرفه ای خود را دنبال کرد و اوست که در شمال کالیفرنیا به تمام سؤالات و مشکلات من درباره تئاتر پاسخگو بوده است. ضمناً نمایش مونتسرا نیز یک بار به کارگردانی کامران نوزاد و با شرکت علی آزاد- خانم تاجی احمدی- و خسروشکیبایی (که در آن زمان تازه کار تئاتر را شروع کرده بود) در تلویزیون ایران آن زمان ضبط اما بعللی از پخش آن جلوگیری شد که پس از اصلاحات مختصری در متن نمایش برای بار دوم مجدداً ضبط و پخش شد. در اجرای دوم مونتسرا نقش اول آنرا بجای علی آزاد که در تهران حضور نداشت کامران نوزاد بعهده گرفت- معهداً با وجود اصلاحاتی در متن، نمایش مونتسرا در ساعتی غیر معقول و در دو قسمت در روزهای متفاوت نمایش داده شد و چون نمایش آن قبلاً در یکی دو نشریه اعلام شده بود عده زیادی از آن دیدن کرده بودند.

صحنه تئاتر می برد و لحظاتی بعد صدای شلیک تفنگ ها اجرای حکم اعدام را اعلام می کند. جالب اینجاست که قبل از بردن مردم بیگناه به میدان اعدام کشیش نیز (مانند قاضی عسکر خودمان) برای ادای مراسم مذهبی آماده بود و به فرزندان مسیح مژده بهشت می داد. خلاصه اینکه نزدیک به دو ساعت تماشاچیان چشم به دهان مونتسرا داشتند و ناله های مردم بی گناهی که زندگیشان بسته به دهان باز کردن مونتسرا بود. مونتسرا قهرمان مردم اسپانیا به مقاومت خود ادامه می داد تا اینکه زنی جوان (توران مهرزاد) که به طور تصادفی دستگیر شده بود به مونتسرا میگوید: من جوانم دو بچه کوچک در خانه دارم که آمده ام برایشان غذا و دوا بگیرم اگر مرا بکشند آن دو بچه هم خواهند مرد. در اینجا است که مونتسرا به زانو در می آید و دستهای خود را بالا می برد تا همکاران خود را معرفی کند. اما در همین جاست که تمام صحنه عوض می شود. زن خانه داری که برای رهایی خود و بچه هایش تلاش می کرد به طور ناگهانی تغییر حالت داد و فریاد زد: نه، حرف نزن، بمیر، منم می میرم، خیانت نکن!

دنباله مطلب در صفحه ۸

بود. داستان این نمایشنامه از مبارزات مردم اسپانیا و مقاومت ملی آنان شکل گرفته بود. رهبر چریک ها که «مونتسرا» نام داشت به چنگ پلیس فاشیست اسپانیا افتاده بود و به هیچ شکنجه و تهدیدی همکاران خود را «لو» نمی داد.

نقطه ضعف «مونتسرا» مردم دوستی او بود و بخاطر همین حاضر شده بود تا جان خود را برای رهایی مردم و وطنش از شر حکومت فاشیستی فرانکو فدا کند. وقتی پلیس اسپانیا از به زانو در آوردن قهرمان مبارزات مردم خسته شد به حيله ای دست زد. او عده ای از مردم رهگذر و بی گناه را گرفت و آنها را در شکنجه گاه مونتسرا آورد. پلیس به مونتسرا گفت: اگر حرف نزن و همکاری را معرفی نکنی این مردم بیگناهی که دستگیر شده اند یکی پس از دیگری اعدام خواهند شد. جالب ترین صحنه تئاتر در اینجا است. هر کسی از دیدگاه خود از مونتسرا می خواهد حرف بزند و دهان باز کند تا خود را از چنگال پلیس برهاند و به کار و زندگی خود برسد.

اعدام بیگناهان برای اعتراف قهرمان

پلیس وقتی از به زانو در آوردن مونتسرا ناامید می شود یکی دو نفر از دستگیر شدگان را برای اعدام به خارج از



یاد مانده ها

از نصرت الله نوح
(۱۴۱)

www.safinehnooh.com

نظری گذرا به تئاتر تجربی - علمی ایران (۱۳) بخش آخر «مونتسرا» پایان بخش حیات تئاتر سعدی بود

محمد علی جعفری یکی از بهترین نقش های خود را در «مونتسرا» اجرا کرد.

تئاتر سعدی که به همت روانشاد عبدالکریم عمویی پایه گذاری شده بود پس از نوشین نیز توانست به کوشش شاگردانش نمایشنامه های مترقی و آگاهی دهنده فراوانی را به روی صحنه بیاورد. که درباره آنها در این زمینه به فراوانی سخن گفته ام. اما نمایشنامه «مونتسرا» که در واقع آخرین برنامه تئاتر سعدی بود که به همت دوستان و شاگردان عبدالحسین نوشین روی صحنه آمد یکی از مترقی ترین نمایشنامه ها نیز بود. در اجرای این نمایشنامه که حسین خیرخواه، دوست و شاگرد نوشین، که در غیاب او همه نمایشنامه ها را اجرا و کارگردانی میکرد حضور نداشت، جعفری توانست بهترین بازی ها را عرضه کند و خاطره ای جاودانی از این نقش را برای خود به ثبت برساند. این تنها نمایشنامه ای بود که من در تئاتر سعدی دیدم و متأسفم که آخرین آن نیز بود و شاید این شعر درباره من صدق می کند!:

قدم نامبارک محمود - گربه دریا رسد برآرد دود!

بلیط آن باید به صف می ایستادی. نمیدانم من با کی و کی و چگونه بلیط آن را تهیه کردم و با چه کسانی به دیدن آن نمایشنامه رفتم. اینقدر می دانم که هنوز صحنه های ریشه آور شکنجه مونتسرا که رهبر سازمانهای چریکی اسپانیا علیه سلطه فرانکو بود را در خاطر دارم. در این نمایشنامه هنرمندان برجسته ای مانند: محمدعلی

مونتسرا و فضایی آشفته و انقلابی

نمایشنامه «مونتسرا» اثر روبرت کلمانس که به وسیله مهدی امینی (متأسفانه مهدی امینی در آبانماه امسال ۱۳۸۷ درگذشت) یکی از شاگردان نوشین ترجمه شده بود در بهار سال ۱۳۳۲ در جوی ملتبه و توفانی که مبارزه دکتر مصدق نخست وزیر محبوب ایران با دربار



مونتسرا آخرین نمایشنامه تئاتر سعدی

صحنه ای از نمایشنامه مونتسرا که محمدعلی جعفری در آن بسیار درخشید. البته بازی همه بازیگران خوب بود ولی درخشش جعفری و توران مهرزاد در این نمایشنامه چشمگیر بود.

جعفری، حسن خاشع، دکتر منوچهر کی مراد، رضا مینا، دکتر تقی مینا، محمد تقی کهنمویی، ایرن عاصمی، فلور انتظامی، توران مهرزاد و ... شرکت داشتند. کارگردانی آن به عهده محمد علی جعفری و مهدی امینی

روزهای سرنوشت سازی را می گذراند روی صحنه آمد. فقط کسانی که آن روزها را دیده اند می توانند این کلمه «سرنوشت ساز» را درک و حس کنند. نمایشنامه مونتسرا چنان جاذبه و گیرندگی داشت که برای یافتن

یک خدا، یک پیام، یک دین

کدام دین؟

با اینکه آداب و رسوم ادیان متفاوت هستند ولی یکتا پرستی اصل و اساس تمام ادیان است

یگانگی ادیان

قرآن ۱۳:۴۲

او همان دینی را برای شما مقرر کرد که برای نوح مقرر کرد و آنچه ما بر تو (محمد) وحی کردیم و آنچه برای ابراهیم، موسی و عیسی مقرر نمودیم: «شما باید از همین یک دین پیروی کنید و آن را فرقه فرقه نکنید...»

کتاب مقدس-مرقس ۱۸-۱۷:۱۰

چون به راه می رفت، شخصی دوان دوان آمده، پیش او زانو زده، سؤال نمود که «ای استاد نیکو چه کنم تا وارث حیات جاودانی شوم؟» عیسی بدو گفت: «چرا مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست جز تنها خدا.»

تفنیه ۵-۶

ای بنی اسرائیل گوش کنید: «پروردگار خدای ما خدائست یکتا. او را با تمامی دل جان و توانایی خود دوست بدارید»

یسنا ۷:۳۴

پس من با راستی و درستکاری می خواهم که تنها تو (ای خدا) پناه و یار من باشی

جمعیت یکتا پرستان ۷۵۷۰-۹۱۶ (۴۰۸)

www.masjiduntucson.org

www.submission.org

سام فینی

مشاور با تجربه، تحصیل کرده و پر تلاش

در خرید و فروش املاک و وام

(سانفرانسیسکو، سن حوزه و بی اریا)

❖ خرید Buy ❖ فروش Sell ❖ وام Finance



Sam Fini

COLDWELL BANKER
DCP
(650) 834-1586

Realtor/Loan Specialist San Francisco Bay Area

(650) 834-1586

Fax: (415) 814-5728

www.samfini.com Email: farsi@samfini.com